



مدینه حقوق

دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

شماره چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۳-۲۷۸۳



- تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی
همایون مافی، محسن رئیسی
نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران
امیررضا محمودی، زهرا رهنا
شیوه طرح دعاوی گروهی و نحوه اجرای احکام آن
رحیم مختاری، علی سلطانی شیرزاده
بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیت‌های تعدیل در حقوق ایران
شیما شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا
آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بگی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور
روح الله شیخی، محمد محمودی
چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار
رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز
دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران
سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی
مسئولیت سازندگان ساختمان و حقوق مجاورین ناشی از آلودگی صوتی ساخت‌وسازها
رحیم مختاری، نازنین زهرا جوکار
تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران
حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی
راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی
فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور
واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی
حسن پیرفلک لسکوگلابیه، طیبه قدرتی سیاهمزمگی
توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا
حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی
عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران
ایرج مروتی، نغمه فرهود
توافق طرفین در ارجاع دعوی به داوری در مرحله تجدیدنظر
رحیم مختاری، زهرا عمادی
مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم
مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی
پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند
هادی زارع، مجید وزیری
تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان
زینب تازی
مسئولیت سازنده و حقوق مجاورین ناشی از به کارگیری جرثقیل‌های برجی
رحیم مختاری، احسان یوسفی
انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک
امیررضا علی تبار
جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی
محبوبه طالبی رستمی
تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی
سیدامیرحسین مصطفوی
مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران
وحید کیومرثی
مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان
(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)
راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید
بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی
سیده مهشید میری بالاچورشیری
مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی
سینا یوسفی
مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان
رحیم مختاری، ابراهیم شیروانی
تحلیلی بر مسئله اخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی
محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی
آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت یتیمی املاک در نظام حقوقی ایران
احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه
دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی
رادمهر رحمانی گل افشان
پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در ایران، امارات متحده عربی و قطر
عبدالمجید یوسفی
رویکرد رویه قضایی در ترمیم دادرسی از طریق اضافه کردن اشخاص به دادرسی
رحیم مختاری، سعید شیروانی
جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین
یاسر شاکری



Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law

Shima Shakouri

PhD student in Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran (Corresponding Author)

Ghasem Nabizadeh Kebrya

Assistant Professor of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran

بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیت‌های تعدیل در حقوق ایران

شیمای شکوری بلقور

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران (نویسنده مسئول)
shima23.ss60@gmail.com

قاسم نبی زاده کبریا

استادیار حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران
gh.nabizadeh@gmail.com

Abstract

Severe inflation, as one of the destructive economic phenomena, has a profound impact on contractual relations and can seriously disrupt the economic equilibrium of contracts. A sudden and continuous increase in the general price level leads to a decrease in the real value of monetary obligations, an unpredictable increase in costs, and difficulty in the performance of contractual obligations, so that in many cases, the performance of the contract is associated with hardship or significant loss for one of the parties. In such circumstances, absolute adherence to the principle of the necessity of contracts conflicts with considerations of contractual justice and good faith, and the discussion of the possibility of contract amendments becomes particularly important. The aim of this study is to investigate the impact of severe inflation on contractual equilibrium and to analyze the legal bases for the possibility of contract amendments in Iranian law, considering the principles governing contracts. In this regard, an attempt is made to explain the position of institutions such as the rule of no harm, hardship, good faith, and the theory of changed circumstances in justifying contract amendments. The main question is whether severe inflation can, as a factor disrupting contractual equilibrium, provide the necessary legal basis for contract amendments in Iranian law. The research method is descriptive-analytical, and data have been collected and analyzed through the study of library resources, laws, judicial opinions, and legal doctrine. The research findings show that although Iranian law has not explicitly provided a general rule regarding contract amendments, it is possible to accept contract amendments in severe inflation conditions through a broad interpretation of jurisprudential rules and legal principles. As a result, identifying a coherent institution for contract amendments can play an important role in realizing contractual justice and increasing legal certainty in unstable economic conditions.

Keywords: Severe Inflation, Contractual Equilibrium, Contract Amendments, Principle of Necessity of Contracts, Contractual Justice.

چکیده

تورم شدید به‌عنوان یکی از پدیده‌های مخرب اقتصادی، تأثیر عمیقی بر روابط قراردادی بر جای می‌گذارد و می‌تواند تعادل اقتصادی قراردادها را به‌طور جدی برهم زند. افزایش ناگهانی و مستمر سطح عمومی قیمت‌ها، موجب کاهش ارزش واقعی تعهدات پولی، افزایش غیرقابل پیش‌بینی هزینه‌ها و دشواری اجرای تعهدات قراردادی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد، اجرای قرارداد برای یکی از طرفین با عسر و حرج یا زیان فاحش همراه می‌گردد. در چنین شرایطی، پایبندی مطلق به اصل لزوم قراردادها با ملاحظات عدالت قراردادی و حسن نیت در تعارض قرار می‌گیرد و بحث امکان تعدیل قراردادها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تورم شدید بر تعادل قراردادی و تحلیل مبانی حقوقی امکان تعدیل قراردادها در حقوق ایران با توجه به اصول حاکم بر قراردادها است. در این راستا، تلاش می‌شود جایگاه نهادهایی چون قاعده لاضرر، عسر و حرج، حسن نیت و نظریه تغییر اوضاع و احوال در توجیه تعدیل قراردادها تبیین شود. سؤال اصلی آن است که آیا تورم شدید می‌تواند به‌عنوان عامل برهم‌زننده تعادل قراردادی، مبنای حقوقی لازم برای تعدیل قراردادها در حقوق ایران را فراهم آورد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، قوانین، آرای قضایی و نظریات دکترین حقوقی گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند حقوق ایران به‌طور صریح قاعده‌ای عام درباره تعدیل قراردادها پیش‌بینی نکرده است، اما با تفسیر موسع از قواعد فقهی و اصول حقوقی، امکان پذیرش تعدیل قراردادها در شرایط تورم شدید وجود دارد. در نتیجه، شناسایی نهادی منسجم برای تعدیل قراردادها می‌تواند نقش مهمی در تحقق عدالت قراردادی و افزایش امنیت حقوقی در شرایط بی‌ثبات اقتصادی ایفاء کند.

واژگان کلیدی: تورم شدید، تعادل قراردادی، تعدیل قراردادها، اصل لزوم قراردادها، عدالت قراردادی.

ارجاع:

شکوری بلقور، شیماء؛ نبی زاده کبریا، قاسم؛ (۱۴۰۴)، بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیت‌های تعدیل در حقوق ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

در حقوق قراردادهای، اصل لزوم قراردادهای به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول حاکم بر روابط خصوصی، تضمین‌کننده ثبات و امنیت معاملات است. بر اساس این اصل، قرارداد منعقدشده برای طرفین لازم‌الاجرا بوده و هیچ‌یک نمی‌تواند به‌طور یک‌جانبه از اجرای آن سر باز زند (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۸۶). باین‌حال، تحولات شدید اقتصادی، به‌ویژه تورم شدید و غیرقابل پیش‌بینی، این اصل را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. تورم شدید با کاهش ارزش واقعی پول، افزایش ناگهانی هزینه‌ها و برهم‌زدن توازن اقتصادی تعهدات، می‌تواند اجرای قرارداد را برای یکی از طرفین به‌طور نامتعارف دشوار یا زیان‌بار سازد و تعادل قراردادی را که مبنای رضایت اولیه طرفین بوده است، به کلی مختل کند.

در چنین شرایطی، پابندی مطلق به مفاد قرارداد، بدون توجه به تغییرات بنیادین اوضاع و احوال اقتصادی، می‌تواند به بی‌عدالتی قراردادی منجر شود. از این‌رو، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا حقوق قراردادهای باید در برابر پدیده‌ای چون تورم شدید انعطاف‌ناپذیر باقی بماند، یا می‌توان با بهره‌گیری از نهادهای حقوقی موجود، امکان تعدیل قراردادهای را به‌منظور بازگرداندن تعادل اقتصادی میان طرفین فراهم ساخت. اهمیت این موضوع در نظام حقوقی ایران، به‌ویژه در دوره‌های بی‌ثباتی

اقتصادی، دوچندان می‌شود؛ زیرا حجم قابل توجهی از دعاوی حقوقی به اختلافات ناشی از افزایش شدید قیمت‌ها و عدم تناسب عوضین اختصاص یافته است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر تورم شدید بر تعادل قراردادی و تحلیل مبانی حقوقی امکان تعدیل قراردادها در حقوق ایران است. در این راستا، تلاش می‌شود نشان داده شود که چگونه تورم شدید می‌تواند ماهیت تعهدات قراردادی را دگرگون سازد و چه ظرفیت‌هایی در حقوق ایران برای واکنش منصفانه به این وضعیت وجود دارد. این پژوهش همچنین در پی آن است که نسبت میان اصل لزوم قراردادها و ملاحظات عدالت قراردادی را در شرایط تورمی بازخوانی کند.

در پیشینه پژوهش، آثار ارزشمندی در این زمینه به چشم می‌خورد. پژوهش «تعدیل قرارداد و کاربرد آن در فقه و حقوق ایران» به بررسی امکان تعدیل یا فسخ قرارداد در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال می‌پردازد. این پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق قراردادها، تغییرات غیرقابل پیش‌بینی می‌تواند مبنایی برای تعدیل یا تجدیدنظر در مفاد قرارداد فراهم آورد و موضوع را از اصل لزوم قراردادها متمایز می‌سازد. همچنین پژوهش «تعدیل قرارداد در اثر نوسانات اقتصادی» به‌طور مستقیم به تأثیر نوسانات اقتصادی، از جمله تورم، بر قراردادها می‌پردازد و مبانی حقوقی تعدیل در مواجهه با این نوسانات را تحلیل می‌کند. این آثار، هرچند مبانی نظری مهمی را فراهم کرده‌اند، اما عمدتاً یا بر تعهدات پولی تمرکز داشته یا به‌صورت کلی به بحث تعدیل پرداخته‌اند.

وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در آن است که تورم شدید را نه صرفاً به‌عنوان یک پدیده اقتصادی، بلکه به‌عنوان عاملی حقوقی مؤثر بر تعادل قراردادی مورد واکاوی قرار می‌دهد و می‌کوشد با نگاهی منسجم، ارتباط میان تورم، عدالت قراردادی و امکان تعدیل قراردادها را تبیین کند. این پژوهش با تلفیق دیدگاه‌های فقهی، دکترین حقوقی و تحلیل اصول کلی حقوق قراردادها، تلاش دارد چهارچوبی تحلیلی برای توجیه حقوقی تعدیل قراردادها در شرایط تورمی ارائه دهد؛ امری که در پژوهش‌های پیشین کمتر به‌صورت جامع بدان پرداخته شده است. پژوهش حاضر در پی آن است به این نتیجه دست یابد که پذیرش امکان تعدیل قراردادها در شرایط تورم شدید، نه تنها با اصول بنیادین

حقوق ایران در تعارض نیست، بلکه می‌تواند به تحقق عدالت قراردادی، کاهش دعاوی و افزایش امنیت حقوقی در روابط معاملاتی منجر شود و راه را برای اتخاذ رویکردی منعطف و منصفانه در مواجهه با بحران‌های اقتصادی هموار سازد.

۱- مفهوم تورم شدید و تعادل قراردادی

در حقوق اقتصادی و حقوق قراردادها، تورم شدید و تعادل قراردادی از مفاهیم بنیادینی هستند که درک دقیق آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل آثار تحولات اقتصادی بر روابط خصوصی دارد. تورم شدید صرفاً یک شاخص اقتصادی نیست، بلکه پدیده‌ای است که می‌تواند بنیان‌های حقوقی قراردادها را تحت تأثیر قرار دهد و مفروضات اولیه طرفین را در زمان انعقاد قرارداد دگرگون سازد. از این منظر، بررسی تورم شدید نه تنها در حوزه اقتصاد، بلکه در قلمرو حقوق قراردادها نیز ضرورتی انکارناپذیر محسوب می‌شود.

تورم شدید در علم اقتصاد به افزایش پایدار، مستمر و فراگیر سطح عمومی قیمت‌ها اطلاق می‌شود که پیامد مستقیم آن کاهش قدرت خرید پول و تنزل ارزش واقعی تعهدات پولی است. در چنین وضعیتی، واحد پول ملی توان سابق خود را در ایفای نقش واسطه مبادله و معیار سنجش ارزش از دست می‌دهد و پول به تدریج کارکرد اقتصادی خود را تضعیف شده نشان می‌دهد. این پدیده می‌تواند ناشی از عوامل متعددی همچون افزایش بی‌رویه نقدینگی، کسری بودجه مزمن دولت، شوک‌های عرضه و تقاضا، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی یا اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی نادرست باشد. ویژگی اساسی تورم شدید، غیرقابل پیش‌بینی بودن و استمرار آن در یک بازه زمانی قابل توجه است؛ امری که برنامه‌ریزی اقتصادی و تنظیم روابط قراردادی را با دشواری جدی مواجه می‌کند (Zhifeng, 2022, 745).

در بستر روابط قراردادی، تورم شدید زمانی اهمیت حقوقی می‌یابد که قرارداد پیش از بروز یا تشدید تورم منعقد شده باشد. در این حالت، ارزش اقتصادی تعهداتی که طرفین بر مبنای آن تراضی

کرده‌اند، به تدریج از واقعیت‌های اقتصادی فاصله می‌گیرد. تعهدات پولی که در زمان انعقاد قرارداد دارای ارزش متناسب و عادلانه‌ای بوده‌اند، در اثر تورم ممکن است به تعهداتی کم‌ارزش یا حتی غیرمنصفانه تبدیل شوند. بدین ترتیب، اجرای دقیق مفاد قرارداد، بدون توجه به تغییرات شدید اقتصادی، می‌تواند یکی از طرفین را متحمل زیان فاحش کند و تعادل اولیه قرارداد را بر هم زند (احمدی و رستمی فر، ۱۴۰۱، ۴۷). از دیدگاه حقوقی، چنین وضعیتی این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا پابندی صرف به مبلغ اسمی تعهدات، همچنان با عدالت قراردادی سازگار است یا خیر؟

در مقابل، تعادل قراردادی مفهومی است که بر تناسب و هماهنگی اقتصادی میان تعهدات طرفین قرارداد دلالت دارد. این تعادل ناظر بر آن است که ارزش عوضین و تعهدات متقابل، در چهارچوب مفروضات اقتصادی زمان انعقاد قرارداد، متوازن باشد. تعادل قراردادی صرفاً به توازن صوری تعهدات محدود نمی‌شود، بلکه ناظر بر ارزش واقعی و اقتصادی آن‌ها است (احمدی و رستمی فر، ۱۴۰۱، ۵۲). از این رو تعادل قراردادی ارتباط تنگاتنگی با مفاهیمی چون عدالت قراردادی، حسن نیت و انصاف در اجرای قرارداد دارد. هرگاه شرایط اقتصادی به گونه‌ای تغییر یابد که این تناسب از میان برود، می‌توان از اختلال در تعادل قراردادی سخن گفت.

به زعم و نظر نگارندگان، تورم شدید یکی از بارزترین عواملی است که می‌تواند این تعادل را مختل کند. زمانی که ارزش پول به شدت کاهش می‌یابد، طرفی که باید تعهد پولی دریافت کند، در عمل چیزی کمتر از آن چه مورد انتظار و توافق اولیه بوده دریافت می‌کند، درحالی که طرف مقابل با پرداخت مبلغ اسمی، از انجام تعهدی سبک‌تر از تعهد مورد نظر در زمان انعقاد قرارداد بهره‌مند می‌شود. این وضعیت، موجب انتقال ناعادلانه بار اقتصادی قرارداد و ایجاد عدم توازن جدی میان منافع و تعهدات طرفین می‌گردد. بنابراین، تورم شدید نه تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه عاملی مؤثر در بر هم خوردن عدالت و تعادل قراردادی است که بررسی آن در چهارچوب حقوق قراردادهای مهمی اساسی دارد.

۲- جایگاه ثبات اقتصادی در فلسفه الزام آور بودن قراردادها

در فلسفه الزام آور بودن قراردادها در حقوق، ثبات اقتصادی نقش محوری و تعیین کننده‌ای دارد که از منظر حقوقی و اقتصادی باید دقیق بررسی شود. الزام آور بودن قراردادها به این معنا است که قراردادهایی که به طور صحیح منعقد شده‌اند، برای طرفین لازم‌الاتباع هستند و طرفین موظف به اجرای تعهدات خود هستند.^۱ یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های الزام آور بودن قراردادها، ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در روابط اقتصادی و اجتماعی است. زمانی که طرفین بدانند قراردادهایشان الزام آور است، می‌توانند با اطمینان تصمیمات اقتصادی بگیرند، منابع خود را تخصیص دهند و برنامه‌ریزی کنند. این اطمینان برای فعالیت اقتصادی در سطح خرد^۲ و سطح کلان^۳ اهمیت دارد و موجب کاهش هزینه‌های معاملاتی و افزایش امنیت اقتصادی می‌شود، زیرا طرفین می‌دانند که تعهدات به‌طور قانونی قابل اجرا هستند (ابراهیمی و عینی، ۱۳۹۷، ۳۷).

ثبات اقتصادی در فلسفه حقوق قراردادها از چند لحاظ قابل تحلیل است: اول- پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی^۴: الزام آور بودن قراردادها به معنای حفظ تعهدات در برابر تغییرات اقتصادی است، به گونه‌ای که طرفین در زمان انعقاد قرارداد می‌توانند پیامدهای آتی را قابل پیش‌بینی بدانند و بر اساس آن سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع انجام دهند (Richardson, 2006, 644). بدون چنین الزامی، عدم اطمینان نسبت به اجرای قراردادها می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک اقتصادی شود، زیرا طرفین ممکن است از اجرای تعهدات در صورت سودآور بودن فرصت‌های دیگر خودداری کنند. دوم- ثبات بازارها و ترتیبات اقتصادی: قراردادهای ستون فقرات معاملات در نظام‌های اقتصادی مدرن هستند. در نبود الزام آور بودن قراردادها، اعتماد به مکانیسم‌های بازار کاهش می‌یابد و

۱- این قاعده، در نظام‌های حقوقی مختلف به‌عنوان اصل بنیادین حقوق قراردادها شناخته می‌شود و با قاعده لاتین *pacta sunt servanda* (عقود باید رعایت شوند) بیان می‌گردد

۲- میان افراد و بنگاه‌ها

۳- بازارها و اقتصاد ملی

جریان مبادلات اقتصادی مختل می‌شود. الزام آور بودن قراردادها به عنوان اصل بنیادین تضمین می‌کند که قراردادها معتبر و لازم‌الاجرا هستند، مگر موارد استثنایی مشخص (شرط ضمنی تغییر اوضاع و احوال) ^۵ (Pichonnaz, 2011, 129). این تضمین، بستر اعتماد متقابل اقتصادی را تقویت می‌کند و به ثبات بازار کمک می‌نماید.

سوم- تعادل میان آزادی قراردادها و ثبات اقتصادی: آزادی قراردادها به طرفین اجازه می‌دهد که اراده خود را در قالب توافق آزاد منعکس سازند، اما بدون الزام آور بودن این توافقات، این آزادی فاقد ضمانت اجرایی خواهد بود. در فلسفه حقوق قراردادها، تعادل میان این دو عنصر یعنی آزادی اراده و الزام اجرا، برای حفظ ثبات اقتصادی ضروری است؛ زیرا آزادی بدون ضمانت نمی‌تواند ثبات اقتصادی ایجاد کند و اجرای الزامی بدون آزادی نیز ممکن است منجر به بی‌انصافی شود (ابراهیمی و عینی، ۱۳۹۷، ۳۹). چهارم- نقش عدالت قراردادی و اعتماد اجتماعی: الزام آور بودن قراردادها به عنوان یکی از مؤلفه‌های عدالت قراردادی تلقی می‌شود که باعث می‌شود طرفین قرارداد به یکدیگر اعتماد کنند و بدانند که تعهدات طرف دیگر رعایت خواهد شد. این اعتماد اجتماعی و حقوقی خود عاملی برای پایداری اقتصادی و افزایش فعالیت‌های اقتصادی است، زیرا فعالان اقتصادی می‌دانند که حقوق آن‌ها در چهارچوب تعهدات قراردادی قابل حمایت است.

نکته مهم این است که اصل الزام آور بودن قراردادها، کالبدی مطلق نیست و در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله در علم حقوق عمومی و خصوصی، استثنائاتی برای شرایط خاص^۶ در نظر گرفته شده‌اند تا از اجرای بی‌عدالتی آمیز قراردادها جلوگیری شود (Witzleb, 2023, 24). با این حال، این استثنائات خود مغایر با اصل نیستند، بلکه سازوکارهایی هستند که در صورت نیاز، ثبات و عدالت را در تعادل نگاه می‌دارند.

5- clausula rebus sic stantibus

۶- مانند تغییر اساسی اوضاع یا قوه قاهره

به زعم و نظر نگارندگان، ثبات اقتصادی در فلسفه الزام آور بودن قراردادهای، نقش بنیادی در ایجاد پیش‌بینی‌پذیری، امنیت حقوقی و اعتماد در فعالیت‌های اقتصادی دارد. این ثبات امکان می‌دهد که افراد و بنگاه‌ها بر اساس تعهدات قابل اجرا برنامه‌ریزی کنند، سرمایه‌گذاری نمایند و به تبع آن، نظام اقتصادی به صورت مؤثرتر و با هزینه کمتر عمل کند. در نتیجه، فلسفه الزام آور بودن قراردادهای نه تنها از دیدگاه حقوقی بلکه از منظر اقتصادی نیز به‌عنوان ستون اصلی ثبات و توسعه اقتصادی شناخته می‌شود.

۳- تأثیر تورم شدید بر تعهدات قراردادی

تورم شدید با برهم زدن مفروضات اقتصادی حاکم بر زمان انعقاد قرارداد، آثار عمیقی بر تعهدات قراردادی بر جای می‌گذارد و می‌تواند اجرای قرارداد را از حالت متعارف و منصفانه خارج سازد. در این مبحث، تأثیر تورم شدید بر تعهدات قراردادی با تمرکز بر اختلال در تعادل عوضین و تحلیل آن به‌عنوان حادثه تغییر بنیادین اوضاع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- اختلال تورم شدید در تعادل عوضین

تعادل عوضین یکی از ارکان اساسی عدالت قراردادی است و ناظر بر تناسب اقتصادی میان تعهدات متقابل طرفین در زمان انعقاد و اجرای قرارداد می‌باشد. هرچند در حقوق کلاسیک قراردادهای، اصل بر آن است که صرف عدم تعادل اقتصادی عوضین، به‌تنهایی موجب بی‌اعتباری یا تغییر قرارداد نمی‌شود، اما در شرایط استثنایی، به‌ویژه در مواجهه با تورم شدید و غیرقابل پیش‌بینی، این تعادل می‌تواند به‌گونه‌ای مختل شود که اجرای قرارداد از چهارچوب انصاف و منطق اقتصادی خارج گردد. در چنین وضعیتی، دیگر نمی‌توان تعادل عوضین را صرفاً با معیارهای صوری سنجید، بلکه باید به ارزش واقعی و اقتصادی تعهدات توجه کرد.

تورم شدید با کاهش مستمر ارزش پول، موجب می‌شود تعهدات پولی که در زمان انعقاد قرارداد متوازن و منصفانه بوده‌اند، در مرحله اجرا کارکرد اقتصادی خود را از دست بدهند. به‌عنوان مثال، در قراردادهایی که یکی از عوضین مبلغ پول است، کاهش شدید قدرت خرید پول می‌تواند سبب شود

که دریافت‌کننده عوض پولی، در عمل ارزشی به مراتب کمتر از آن چه مورد توافق اولیه بوده دریافت کند. یکی از حقوقدانان تصریح می‌کند که تعهد پولی در حقوق، هرچند از نظر اسمی ثابت است، اما از حیث ارزش اقتصادی، به شدت تابع شرایط اقتصادی جامعه است (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ۲۸۳) و تورم می‌تواند این ارزش را به‌طور جدی دگرگون سازد. از این منظر، اجرای قرارداد بدون توجه به آثار تورم شدید، ممکن است به انتقال ناعادلانه ریسک اقتصادی به یکی از طرفین منجر شود.

اختلال در تعادل عوضین ناشی از تورم شدید، صرفاً به کاهش ارزش تعهدات پولی محدود نمی‌شود، بلکه در قراردادهای معاوضی نیز می‌تواند خود را نشان دهد. در قراردادهای بلندمدت، مانند پیمانکاری، اجاره یا فروش اقساطی، افزایش شدید هزینه‌ها و قیمت‌ها ممکن است اجرای تعهدات غیرپولی را نیز با بار اقتصادی سنگین و پیش‌بینی‌ناپذیر مواجه سازد. در این حالت، یکی از طرفین ناگزیر می‌شود تعهدی را اجرا کند که هزینه آن به مراتب بیش از ارزش عوض دریافتی است؛ وضعیتی که با فرض تعادل اقتصادی مورد نظر طرفین در زمان انعقاد قرارداد ناسازگار است. عدالت قراردادی اقتضاء می‌کند تعادل اقتصادی قرارداد، حداقل در سطح معقولی حفظ شود و تغییرات شدید و غیرمتعارف اقتصادی می‌تواند این تعادل را به‌طور استثنایی بر هم زند (غلامی، ۱۳۹۷، ۱۰۵).

بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز اختلال شدید در تعادل عوضین را در شرایط خاص به رسمیت شناخته‌اند. برای نمونه، ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ میلادی به طرفی که اجرای تعهد برای او به سبب تغییر غیرقابل پیش‌بینی اوضاع، به شدت سنگین شده است، اجازه می‌دهد درخواست مذاکره مجدد یا حتی تعدیل قضایی قرارداد را مطرح کند. همچنین، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا^۷ در ماده‌های ۶، ۲، ۲ و ۶، ۲، ۳، «تنگنای قراردادی»^۸ را ناظر به بر هم خوردن اساسی

7- UNIDROIT Principles

۸- در حقوق قراردادهای، Hardship یا تنگنای قراردادی به وضعیتی گفته می‌شود که پس از انعقاد قرارداد، تحولات غیرقابل پیش‌بینی و اساسی در اوضاع اقتصادی یا عملیاتی، اجرای تعهدات قراردادی را به شدت دشوار، پرهزینه یا ناعادلانه می‌کند، بدون این که اجرای آن کاملاً غیرممکن شود

تبادل قراردادی می‌دانند که از جمله می‌تواند ناشی از تورم شدید باشد.^۹ این رویکردها نشان می‌دهد که در حقوق معاصر، حفظ تعادل اقتصادی قرارداد در شرایط استثنایی، به‌عنوان یک ارزش حقوقی پذیرفته شده است.

به زعم و نظر نگارندگان، در حقوق ایران، هرچند قاعده‌ای صریح درباره تعدیل قرارداد به دلیل اختلال در تعادل عوضین وجود ندارد، اما با تکیه بر قواعد فقهی و اصول کلی حقوق، می‌توان این اختلال را مورد توجه قرار داد. قواعدی مانند لاضرر و نفی عسرو حرج، زمینه‌ای فراهم می‌کنند تا اجرای قراردادی که در اثر تورم شدید تعادل اقتصادی خود را از دست داده است، به‌عنوان امری غیرمنصفانه مورد بازنگری قرار گیرد. در واقع، تورم شدید زمانی که موجب عدم تناسب فاحش میان عوضین شود، می‌تواند اجرای قرارداد را از چهارچوب تعهد متعارف خارج سازد و لزوم مداخله حقوقی برای بازگرداندن تعادل را توجیه کند. تورم شدید، با ایجاد کاهش اساسی در ارزش واقعی تعهدات و تحمیل بار اقتصادی نامتعارف بر یکی از طرفین، موجب اختلال جدی در تعادل عوضین می‌شود. این اختلال، اگرچه در شرایط عادی قابل اغماض است، اما در وضعیت‌های استثنایی می‌تواند مبنایی معتبر برای بازاندیشی در اجرای قرارداد و پذیرش راهکارهایی جهت حفظ عدالت قراردادی باشد.

۳-۲- تورم شدید به‌عنوان نظریه تغییر بنیادین اوضاع

نظریه «تغییر بنیادین اوضاع و احوال» بر این فرض استوار است که الزام آور بودن قراردادها مبتنی بر ثبات نسبی شرایطی است که طرفین در زمان انعقاد قرارداد آن را مفروض دانسته‌اند. این نظریه برخلاف تحلیل صرف اختلال در تعادل عوضین، ناظر بر تحول در بستر بیرونی قرارداد است؛ تحولی که بدون دخالت یا تقصیر طرفین رخ می‌دهد و مبنای اقتصادی یا اجتماعی تراضی را دگرگون می‌سازد. در این چهارچوب، تورم شدید نه صرفاً یک عامل زیان‌بار اقتصادی، بلکه یک واقعه حقوقی مستقل محسوب می‌شود که قابلیت قرار گرفتن در زمره حوادث تغییر بنیادین اوضاع را دارد. آن چه

تورم شدید را از نوسانات عادی اقتصادی متمایز می‌سازد، شدت، تداوم و اثر ساختاری آن بر روابط حقوقی است. در تغییر بنیادین اوضاع، مسئله اصلی این نیست که یکی از طرفین متحمل ضرر شده است، بلکه این است که فرض عقلایی مشترک طرفین در زمان انعقاد قرارداد فروریخته است. تورم شدید، به‌ویژه در قراردادهای بلندمدت، می‌تواند نظام قیمت‌ها، هزینه‌ها و ارزش تعهدات را به‌گونه‌ای تغییر دهد که قرارداد دیگر در چهارچوب مفروضات اولیه قابل تحلیل نباشد (جلالی و آرای، ۱۳۸۹، ۱۵۷). از این منظر، تورم شدید به‌عنوان یک پدیده کلان اقتصادی، ساختار قرارداد را از بیرون متأثر می‌سازد و آن را وارد وضعیتی می‌کند که در زمان انعقاد قابل پیش‌بینی معقول نبوده است.

تحلیل تورم شدید ذیل نظریه تغییر بنیادین اوضاع، در حقوق تطبیقی مبتنی بر معیار «غیرقابل پیش‌بینی بودن عقلایی» است. به‌عبارت دیگر، اگر طرفین در زمان انعقاد قرارداد، امکان بروز تورم شدید را به‌عنوان یک ریسک متعارف در نظر نگرفته باشند، تحقق چنین وضعیتی می‌تواند مبنای مداخله حقوقی قرار گیرد. اصول یونیدروا در این زمینه، تمرکز را از زیان فردی برداشته و بر اختلال در کارکرد اقتصادی قرارداد قرار می‌دهند؛ به این معنا که قرارداد دیگر نمی‌تواند هدف اقتصادی مشترک طرفین را محقق سازد.^{۱۰}

در این چهارچوب، تورم شدید واجد وصف «حادثه خارجی» است که بدون دخالت اراده طرفین رخ داده و نظم اقتصادی قرارداد را دگرگون کرده است. در حقوق ایران نیز، هرچند عنوان «تغییر بنیادین اوضاع» به‌صورت صریح پذیرفته نشده، اما تحلیل تورم شدید در این قالب، از حیث نظری با ساختار حقوقی موجود سازگار است. برخلاف بحث اختلال در تعادل عوضین که بیشتر به نتیجه اجرای قرارداد توجه دارد، در این جا تمرکز بر مشروعیت الزام به اجرای قرارداد در شرایطی کاملاً متفاوت از زمان تراضی است. قاعده نفی عسرو حرج در فقه امامیه، دقیقاً بر همین مبنا شکل گرفته است؛ یعنی الزام به حکمی که استمرار آن مستلزم مشقت غیرمتعارف ناشی از تغییر شرایط است، فاقد مشروعیت می‌شود (وکیل زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۴۳۸). در این تحلیل، تورم شدید نه به‌عنوان ضرر

ساده، بلکه به‌عنوان تغییر در وضعیت حاکم بر رابطه حقوقی ارزیابی می‌شود.

به زعم و نظر نگارندگان، پذیرش تورم شدید به‌عنوان حادثه تغییر بنیادین اوضاع، به‌معنای نفی اصل لزوم قراردادها نیست، بلکه بیانگر انعطاف عقلانی این اصل در شرایط استثنایی است. اصل لزوم زمانی معنا دارد که قرارداد همچنان در بستر طبیعی خود اجرا شود؛ اما زمانی که این بستر به‌طور بنیادین تغییر کرده است، اصرار بر اجرای بی‌قید و شرط قرارداد می‌تواند به نتایجی منجر شود که با منطقی حقوقی الزام‌آور بودن قراردادها ناسازگار است. در نتیجه، تحلیل تورم شدید در قالب تغییر بنیادین اوضاع، قرارداد را از سطح یک توافق ایستا خارج کرده و آن را در پیوند با واقعیت‌های پویا و متغیر اقتصادی بررسی می‌کند.

۴- امکان تعدیل قراردادها در نظام حقوقی ایران

امکان تعدیل قراردادها در نظام حقوقی ایران، به‌عنوان پاسخی به تحولات غیرمتعارف اقتصادی، به‌ویژه تورم شدید مستلزم بررسی مبانی نظری و عملی حقوق است. در این بحث، ابتدا قواعد فقهی و اصول حقوقی مؤثر در تعدیل قراردادها تبیین می‌شود و سپس جایگاه تعدیل در قوانین موضوعه و رویه قضایی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱- قواعد فقهی و حقوقی تعدیل قرارداد

امکان تعدیل قرارداد در نظام حقوقی ایران، بیش از آن که متکی بر مقررات صریح قانونی باشد، ریشه در قواعد فقهی و اصول کلی حقوق دارد. فقه امامیه با برخورداری از قواعد منعطف و مبتنی بر عدالت، ظرفیت بالایی برای مواجهه با تحولات غیرمتعارف اقتصادی، از جمله تورم شدید، فراهم کرده است. این قواعد، هرچند به‌طور مستقیم ناظر بر «تعدیل قرارداد» به معنای اصطلاحی آن نیستند، اما در مجموع مبانی نظری مداخله در الزام قراردادی را در شرایط استثنایی توجیه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی تعدیل قرارداد، قاعده نفی عسرو حرج است. مطابق این قاعده، هیچ حکمی از احکام شرعی نباید موجب مشقت شدید و غیرقابل تحمل برای مکلف شود. فقها عسرو حرج را وضعیتی

فراتر از سختی‌های متعارف زندگی می‌دانند که تحمل آن از نظر عقلایی ممکن نیست (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۲۱۹).

در حوزه قراردادهای، هرگاه اجرای تعهد در اثر تغییر شدید شرایط اقتصادی، مانند تورم فزاینده، به وضعیتی حرجی برای یکی از طرفین منجر شود، استمرار الزام به اجرای قرارداد می‌تواند با این قاعده در تعارض قرار گیرد. بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند که قاعده نفی عسرو حرج، نه تنها در حوزه احکام عبادی، بلکه در روابط معاملاتی نیز قابلیت اعمال دارد و می‌تواند مبنای تعدیل یا حتی انحلال قرارداد قرار گیرد (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱، ۷۵).

قاعده مهم دیگر، قاعده لاضرر است که بر اساس آن، هیچ حکم شرعی نباید موجب ورود ضرر ناروا به اشخاص شود. ضرر در این قاعده، ضرری غیرمتعارف و غیرقابل توجیه عقلایی است. اگر تورم شدید باعث شود اجرای قرارداد زیانی فاحش و یک‌طرفه بر یکی از متعاقدین تحمیل کند، اصرار بر اجرای قرارداد به شکل اولیه می‌تواند مصداق اضرار ناروا تلقی شود. یکی از حقوق‌دانان تصریح می‌کند که قاعده لاضرر در معاملات، کارکرد اصلاحی دارد و می‌تواند موجب تحدید آثار قرارداد در شرایط غیرعادی شود (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۲۰۷). از این منظر، تعدیل قرارداد راهکاری برای جلوگیری از تحقق ضرر فاحش و حفظ عدالت معاملاتی است. قاعده بنای عقلاء نیز از دیگر مبانی مهم تعدیل قرارداد به‌شمار می‌رود. عقلاء در روابط معاملاتی خود، همواره قرارداد را بر پایه ثبات نسبی شرایط اقتصادی منعقد می‌کنند و در صورت تغییرات شدید و پیش‌بینی‌ناپذیر، انتظار اجرای انعطاف‌پذیر تعهدات را دارند. فقه امامیه، بنای عقلاء را در صورت عدم مخالفت شارع، معتبر می‌داند. بر این اساس، می‌توان گفت که التزام مطلق به مفاد قرارداد، حتی در شرایطی که عرف عقلایی آن را ناعادلانه می‌داند، فاقد توجیه فقهی است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۷).

در کنار قواعد فقهی، اصول حقوقی نیز زمینه‌ساز پذیرش تعدیل قرارداد در حقوق ایران هستند. اصل حسن نیت در اجرای قراردادها اقتضاء می‌کند که طرفین از سوءاستفاده از شرایط غیرعادی اقتصادی به زیان طرف مقابل خودداری کنند. هرچند حسن نیت به‌طور صریح در قانون مدنی ایران تصریح نشده، اما

در دکترین حقوقی به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر روابط قراردادی پذیرفته شده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۹). اجرای قراردادی که در اثر تورم شدید، تعادل اقتصادی خود را از دست داده است، بدون تلاش برای تعدیل یا مذاکره مجدد، می‌تواند با این اصل در تعارض قرار گیرد.

به زعم و نظر نگارندگان، اصل عدالت قراردادی به‌عنوان یک اصل فرامتن قانونی، نقش مهمی در تحلیل امکان تعدیل قرارداد ایفاء می‌کند. عدالت قراردادی ایجاب می‌کند که قرارداد به ابزاری برای تحمیل ناعادلانه ریسک‌های اقتصادی تبدیل نشود. به‌ویژه در شرایطی که تغییرات اقتصادی خارج از اراده و پیش‌بینی طرفین رخ داده باشد، تعدیل قرارداد می‌تواند راهکاری برای حفظ کارکرد اقتصادی و اجتماعی قرارداد تلقی شود. هرچند حقوق ایران فاقد قاعده‌ای صریح درباره تعدیل قراردادها است، اما مجموعه قواعد فقهی و اصول حقوقی موجود، چهارچوبی منسجم برای توجیه مداخله در الزام قراردادی در شرایط تورم شدید فراهم می‌کند. این مبانی نشان می‌دهد که تعدیل قرارداد نه یک استثنای بی‌ضابطه، بلکه پاسخی حقوقی مبتنی بر عدالت، عقلانیت و منع اضرار در شرایط غیرمترعارف اقتصادی است.

۴-۲- تعدیل در قوانین و رویه قضایی ایران

هرچند نظام حقوقی ایران، برخلاف برخی نظام‌های اروپایی، قاعده صریح و مستقلی درباره تعدیل قراردادها به‌سبب تغییر اساسی اوضاع در قانون مدنی ندارد، اما در قوانین موضوعه و رویه قضایی، موانع و نیز ظرفیت‌هایی برای تعدیل یا بازنگری در تعهدات قراردادی قابل مشاهده است. این ظرفیت‌ها عمدتاً از تعدیل قانونی محدود ناشی می‌شوند و در موارد دیگر، تعدیل قضایی با اتکاء به اصول و قواعد کلی صورت می‌پذیرد (محمدی، ۱۴۰۳، ۲۲۴).

یکی از زمینه‌های تعدیل در قوانین ایران، حضور قواعدی در قانون مدنی و قوانین خاص است که به‌طور غیرمستقیم به امکان تغییر قرارداد در شرایط خاص اشاره دارند. برای نمونه، ماده ۱۰ قانون مدنی، آزادی قراردادها را مقرر می‌دارد، اما شرط آن را «نباید برخلاف صریح قانون یا مخالف با نظم

عمومی یا اخلاق حسنه باشد». این بند ضمن تبیین حدود آزادی، در صورت وجود مقررات خاص برای تعدیل، راه را برای اعمال آن باز می‌کند. همچنین در برخی قوانین خاص، مانند قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، قانون‌گذار به‌رغم اصل عمومی عدم مداخله در قراردادها، در مواردی مثلاً تعیین اجاره در شرایط خاص، امکان تعدیل عرفی یا قانونی را پیش‌بینی کرده است؛ موضوعی که نشان‌دهنده پذیرش استثناء در قوانین خاص است.

در شرایطی که قانون‌گذار ایران صراحتاً مقرره‌ای برای تعدیل قرارداد در مواجهه با حوادث اقتصادی پیش‌بینی نکرده است، رویه قضایی گاه به تعدیل قضایی نه به‌عنوان قاعده مستقل، بلکه از مسیرهای دیگر متوسل شده است. بر اساس بررسی‌های حقوقی، دادگاه‌ها در مواردی از اصول کلی حقوقی و قواعد فقهی مانند نفی عسرو حرج، عدم توازن فاحش منافع، حسن نیت و منع سوءاستفاده از حق برای توجیه تعدیل یا بازنگری در اجرای تعهدات استفاده کرده‌اند، به‌ویژه در قراردادهای استمراردار^{۱۱} که تحقق موضوع قرارداد به مرور زمان وابسته است و تغییر شدید اوضاع اقتصادی موجب دشواری غیرمتعارف اجرا می‌شود (Gohari, et al., 2015, 1139).

در این قبیل موارد، دادگاه ممکن است با تفسیر ماده ۱۰ قانون مدنی یا مواد مشابه، ضمن احراز توازن واقعی منافع، راهکارهای تعدیل شرایط اجرای قرارداد را اتخاذ کند. به‌علاوه، برخی پژوهش‌ها به موردی از تعدیل در قراردادهای خاص اشاره کرده‌اند که نشان می‌دهد در عمل قضایی ایران، به‌رغم فقدان قاعده صریح، رؤیت‌هایی از پذیرش تعدیل وجود دارد. به‌عنوان نمونه، در بررسی امکان تعدیل شرایط مربوط به خسارت قراردادی^{۱۲} در قراردادهای مشارکت در ساخت، ذکر شده است که دادگاه‌ها بر اساس اصول آزادی قراردادها و عدالت قراردادی، گاه به بازنگری یا تعدیل شرایط پرداخت خسارت در مواجهه با تغییرات اقتصادی پرداخته‌اند، اگرچه قاعده‌ای مشخص در قانون مدنی برای این امر وجود ندارد (رضازادباری و همکاران، ۱۴۰۴، ۹۳). چنین رویکردهایی بیش از آن که

11- continual contracts

12- penalty clause

مبتنی بر قانونی صریح باشند، بر اصل عدالت و تفسیر تطبیقی مقررات عمومی استوار بوده‌اند. به زعم و نظر نگارندگان، تعدیل قضایی عمومی در حقوق ایران به طور آشکار به رسمیت شناخته نشده است و اصولاً «قاضی نمی‌تواند قرارداد را از اساس یا حتی تعدیل کند مگر آن که مقررات قانونی روشن یا شرط ضمنی طرفین چنین اجازه‌ای دهد»؛ اما در عمل، اصل عدم تعادل اقتصادی در اجرای قراردادها و تناظر با مفاهیم فقهی مانند «غبن حادث» و «اصول انصاف و عدالت» سبب شده است که قاضی در موارد خاص به تفسیرهای منعطفی متوسل شود که نتایج تعدیل را به دنبال دارد. این موضوع نشان‌دهنده وجود حباب حقوقی میان اصول کلی و خلأ قانونی است که برخی قضاات و حقوقدانان آن را به نفع توازن اقتصادی و عدالت قراردادی پر می‌کنند.

۵- رویکردهای تطبیقی و پیشنهادهای سیاستی

بررسی امکان تعدیل قراردادها در مواجهه با تورم شدید، بدون توجه به تجربه و راهکارهای سایر نظام‌های حقوقی، تحلیلی ناقص خواهد بود. از این رو، در این مبحث ابتدا رویکرد نظام‌های حقوقی منتخب در قبال تعدیل قراردادها در شرایط تورم شدید به صورت تطبیقی بررسی می‌شود، سپس بر پایه این یافته‌ها، الگویی حقوقی متناسب با ساختار نظام حقوقی ایران ارائه و در نهایت، پیشنهادهای سیاستگذاری حقوقی به منظور ارتقای کارآمدی و عدالت قراردادی در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی مطرح خواهد شد.

۵-۱- رویکرد نظام‌های حقوقی منتخب به تعدیل قراردادها در شرایط تورم شدید

نظام‌های حقوقی معاصر، به ویژه در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و تورم شدید، رویکردی یکسان نسبت به اصل لزوم قراردادها اتخاذ نکرده‌اند. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که بسیاری از این نظام‌ها، با حفظ اصل الزام‌آور بودن قرارداد، سازوکارهایی استثنایی برای تعدیل یا بازنگری در تعهدات قراردادی پیش‌بینی کرده‌اند تا از نتایج ناعادلانه ناشی از تغییرات اقتصادی شدید جلوگیری شود. این رویکردها عموماً مبتنی بر پذیرش محدود نظریه «تغییر بنیادین اوضاع» هستند.

در حقوق فرانسه، تعدیل قراردادها در شرایط تغییر شدید اوضاع به‌طور صریح پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ میلادی قانون مدنی به رسمیت شناخته شد. مطابق ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی فرانسه، اگر تغییر غیرقابل پیش‌بینی اوضاع، اجرای قرارداد را برای یکی از طرفین به‌طور افراطی دشوار کند، وی می‌تواند درخواست مذاکره مجدد نماید و در صورت شکست مذاکرات، دادگاه اختیار تعدیل یا فسخ قرارداد را خواهد داشت. دکترین فرانسوی، تورم شدید را از مصادیق روشن چنین تغییری می‌داند، مشروط بر آن که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی معقول نبوده باشد (Buffelan-Lanore&Larribau-Terneyre, 2016, 171). این تحول نشان‌دهنده گذار حقوق فرانسه از وفاداری مطلق به اصل لزوم به سمت عدالت اقتصادی قرارداد است.

در حقوق آلمان، نظریه «اختلال در مبنای معامله»^{۱۳} که اکنون در ماده ۳۱۳ قانون مدنی آلمان^{۱۴} تصریح شده است، مبنای تعدیل قرارداد در شرایط تغییر بنیادین اوضاع محسوب می‌شود. بر اساس این ماده، اگر شرایطی که مبنای مشترک قرارداد بوده به‌طور اساسی تغییر کند و پایبندی به قرارداد غیرقابل انتظار باشد، دادگاه می‌تواند قرارداد را تعدیل یا در موارد استثنایی منحل کند. رویه قضایی آلمان، تورم شدید و فروپاشی ارزش پول را از مصادیق بارز اختلال در مبنای معامله دانسته است، به‌ویژه در قراردادهای بلندمدت (Hübner, 2013, 114). در این نظام، تمرکز بر انتظارات مشترک عقلایی طرفین است نه صرف زیان اقتصادی یک‌جانبه.

در حقوق انگلستان، رویکرد محافظه‌کارانه‌تری حاکم است. اصل الزام قراردادی همچنان جایگاه مسلط دارد و تعدیل قضایی قرارداد به‌طور کلی پذیرفته نشده است. تنها ابزار موجود، نظریه «اختلال بنیادین در اجرای قرارداد»^{۱۵} است که در صورت غیرممکن یا بی‌معنا شدن اجرای قرارداد اعمال

13- Störung der Geschäftsgrundlage

14- BGB

15- Frustration یکی از نهادهای مهم حقوق قراردادها در نظام کامن‌لا، به‌ویژه در حقوق انگلستان، است که به وضعیتی اشاره دارد که پس از انعقاد قرارداد، حادثه‌ای خارج از اراده و تقصیر طرفین رخ می‌دهد و اجرای قرارداد را

می‌شود. با این حال، دادگاه‌های انگلیسی به صراحت اعلام کرده‌اند که صرف افزایش هزینه‌ها یا تورم شدید، حتی اگر چشمگیر باشد، معمولاً موجب تحقق «اختلال بنیادین در اجرای قرارداد» نمی‌شود (McKendrick, 2012, 372). بنابراین، در حقوق انگلستان، تورم شدید به ندرت مبنای مداخله قضایی تلقی می‌شود، مگر آن که ماهیت تعهد به کلی دگرگون شده باشد.

در حقوق مصر و برخی نظام‌های حقوقی متأثر از فقه اسلامی، رویکردی مداخله‌گرایانه‌تر مشاهده می‌شود. ماده ۱۴۷ (۲) قانون مدنی مصر به قاضی اجازه می‌دهد در صورت وقوع حوادث استثنایی و عمومی که اجرای تعهد را به شدت زیان‌بار کند، تعهد را به حد معقول کاهش دهد. دکتین مصری، تورم شدید و کاهش شدید ارزش پول را از مصادیق کلاسیک «حادثه استثنایی عمومی» می‌داند (مجاهد مطر و جمال جاسم، ۲۰۲۵، ۵۱۲). این رویکرد تأثیر قابل توجهی بر مباحث تطبیقی در حقوق ایران نیز داشته است.

به زعم و نظر نگارندگان، نظام‌های حقوقی منتخب، با شدت و ضعف متفاوت، به این نتیجه رسیده‌اند که پابندی مطلق به مفاد قرارداد در شرایط تورم شدید می‌تواند به نتایج ناعادلانه منجر شود. تفاوت اصلی این نظام‌ها نه در اصل پذیرش مداخله، بلکه در دامنه، شرایط و نقش قاضی در تعدیل قرارداد است؛ تجربه‌ای که می‌تواند مبنای تحلیل و الگوسازی برای نظام حقوقی ایران قرار گیرد.

۵-۲- الگوی حقوقی پیشنهادی برای ایران و پیشنهاد‌های سیاست‌گذاری حقوقی

با توجه به تحلیل تطبیقی رویکرد نظام‌های حقوقی منتخب در مواجهه با تغییرات اساسی اقتصادی، می‌توان نتیجه گرفت که نظام حقوقی ایران برای مواجهه با تورم شدید و اختلالات بنیادین در قراردادها نیازمند یک چهارچوب حقوقی مشخص و کاربردی است. این چهارچوب باید تعادل میان اصل لزوم قراردادها و ملاحظات عدالت قراردادی را در شرایط استثنایی حفظ کند، بدون آن که

غیرممکن، غیرقانونی یا به‌طور اساسی متفاوت از آن چه مورد توافق بوده می‌سازد. در چنین حالتی، قرارداد به‌طور خودکار منحل می‌شود و تعهدات آتی طرفین از بین می‌رود

به صورت کلی به آزادی قراردادها لطمه بزند. در نظام‌های حقوقی معاصر، سازوکارهای تعدیل قراردادها معمولاً در سه قالب به رسمیت شناخته می‌شوند: مذاکره مجدد بر مبنای تنگنای قراردادی، تعدیل قضایی توسط دادگاه و شرط ضمنی یا صریح تعدیل در متن قرارداد، استناد به این موارد در حقوق ایران می‌تواند الگویی عملی و متناسب با اصول حقوقی داخلی ارائه دهد.

اول- گنجاندن «شرط تعدیل قرارداد» در متن قراردادها: یکی از راهکارهای شناخته‌شده در حقوق قراردادهای بین‌الملل، استفاده از شرط تعدیل^{۱۶} یا شرط تغییر اوضاع و احوال در قرارداد است. بر اساس اصول یونیدروا، طرفین می‌توانند در متن قرارداد شرط کنند در صورت وقوع حوادثی مانند تورم شدید، مذاکره مجدد یا تعدیل قرارداد انجام شود.^{۱۷} این راهکار در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است؛ زیرا مطابق متن ماده ۱۰ قانون مدنی، آزادی قراردادها تا زمانی که مخالف با قانون نباشد آزاد است. گنجاندن چنین شرطی می‌تواند از مراجعه مستقیم به قاضی جلوگیری کند و نظام اقتصادی قرارداد را خودتنظیم نماید.

دوم- پذیرش تنگنای قراردادی به عنوان مبنای رسیدگی قضایی: مطابق قواعد تغییر بنیادین اوضاع در حقوق فرانسه^{۱۸} و آلمان^{۱۹}، دادگاه‌ها می‌توانند در صورت تغییر غیرقابل پیش‌بینی اوضاع، اجرای قرارداد را برای تعدیل یا تعدیل جزئی تغییر دهند. این رویکرد در ایران، اگرچه مقررات مستقلی ندارد، اما می‌تواند با تفسیر اصول کلی حقوقی هماهنگ شود. به عنوان مثال، یکی از حقوقدانان اشاره می‌کند که در صورت تغییر اساسی اوضاع اقتصادی، مداخله قضایی برای تعدیل قراردادها نه تنها بی‌سابقه نیست، بلکه با قاعده نفی عسرو حرج و اصل عدالت نیز سازگار است (حافظی قهستانی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۷). از این رو پیشنهاد می‌شود ماده‌ای مشابه دولت‌های فرانسه یا آلمان در قانون مدنی ایران گنجانده شود تا قاضی، در شرایط تورم شدید، اختیار تعدیل قراردادی را داشته باشد.

16- Adjustment clause

17- UNIDROIT, 2016

۱۸- ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی فرانسه

۱۹- ماده ۳۱۳ قانون مدنی آلمان

سوم- به رسمیت شناختن تعدیل قضایی در قراردادهای استمراردار: قراردادهایی که اجرای آن‌ها در طول زمان است^{۲۰}، بیش از سایر قراردادها در معرض اثرات تورم شدید قرار می‌گیرند. در این زمینه، برخی حقوقدانان پیشنهاد کرده‌اند دادگاه‌ها باید در مواردی که اجرای قرارداد به علت تورم به بار اقتصادی غیرمنصفانه می‌انجامد، براساس قاعده لاضرر و اصل حسن نیت^{۲۱} ورود کنند و تعدیل اجرا را مجاز بدانند (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۲۳۷). چنین الگویی می‌تواند مستقیماً در رویه قضایی تقویت شود و رویه‌های واحد قضایی در دیوان عالی کشور ایجاد نماید.

چهارم- ایجاد آیین‌نامه قضایی برای تشخیص تنگنای قراردادی: یکی از چالش‌های عملی، فقدان معیارهای روشن برای تشخیص «تغییر بنیادین اوضاع» است. در این زمینه، پژوهش‌ها پیشنهاد داده‌اند که معیارهای اقتصادی قابل اندازه‌گیری مانند افزایش معنی‌دار شاخص قیمت مصرف‌کننده^{۲۲} یا کاهش قابل توجه قدرت خرید پول، در آیین‌نامه‌های قضایی تعیین شود تا قضاوت نسبت به شرایط تورم با معیارهای روشن انجام گیرد؛ این پیشنهاد در مطالعات تطبیقی حقوق اقتصادی مورد حمایت قرار گرفته است (Klepac, 2017, 32). بنابراین، به جای ایجاد قضایات پراکنده، این الگو می‌تواند ثبات، عدالت اجتماعی و امنیت حقوقی را در مواجهه با تورم شدید تضمین کند و از سردرگمی قضاوت و طرفین قرارداد جلوگیری نماید.

به زعم و نظر نگارندگان، تجربه نظام‌های حقوقی معاصر نشان می‌دهد، پایداری مطلق به اصل لزوم قراردادها در شرایط تورم شدید و تغییر بنیادین اوضاع، می‌تواند به ناعدالتی اقتصادی و بی‌اعتمادی به نظام حقوقی منجر شود. بنابراین، نظام حقوقی ایران نیازمند پذیرش محدود مفهوم تنگنای قراردادی و ایجاد سازوکارهای تعدیل قراردادی است، به گونه‌ای که هم آزادی قراردادها حفظ شود و هم عدالت قراردادی تأمین گردد. پیشنهاد می‌شود ترکیبی از شرط تعدیل در متن

۲۰- مانند پیمانکاری بلندمدت و اجاره بلندمدت

۲۱- که در دکتترین حقوق ایران پذیرفته شده‌اند

قراردادها، تعدیل قضایی با معیارهای روشن و آیین‌نامه‌های شفاف برای تشخیص تورم شدید به کار گرفته شود. این رویکرد، ضمن جلوگیری از اجرای غیرمنصفانه تعهدات، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری را برای طرفین قرارداد فراهم می‌آورد و مانع سردرگمی قضات می‌شود. در مجموع، نگارندگان معتقداند چنین الگویی می‌تواند یک تعادل عملی و حقوقی میان امنیت قرارداد و انعطاف‌پذیری اقتصادی ایجاد کند و کارآمدی نظام حقوقی ایران در مواجهه با تورم شدید را ارتقاء دهد.

نتیجه

تورم شدید به‌طور مستقیم بر تعادل اقتصادی قراردادها اثرگذار است و می‌تواند اجرای تعهدات را برای یکی از طرفین با زیان فاحش همراه سازد. تحلیل قوانین مدنی، آرای قضایی و دکترین حقوقی حاکی از آن است که در حقوق ایران ظرفیت‌هایی برای تعدیل قراردادها وجود دارد؛ هرچند این ظرفیت‌ها صراحت قانونی ندارند، اما با تفسیر اصول کلی حقوق قراردادها و قواعد فقهی می‌توان اصلاحی در تعهدات قرارداد اعمال کرد تا توازن میان طرفین بازگردد. قواعدی مانند قاعده لاضرر، عسرو حرج و اصولی مانند حسن نیت و عدالت قراردادی، امکان بازخوانی تعهدات را در شرایط اقتصادی استثنایی فراهم می‌کنند.

در مواردی که اجرای قرارداد موجب زیان غیرمنصفانه یا عسرو حرج برای یکی از طرفین بوده، دادگاه‌ها با بهره‌گیری از اصول کلی حقوق و قواعد فقهی، اقدام به تعدیل تعهدات یا بازنگری در مبلغ قرارداد کرده‌اند. این موارد اگرچه هنوز رویه‌ای یکپارچه و مستقر ندارند، اما اثبات می‌کند که پاسخ حقوقی برای شرایط تورمی موجود است و نظام قضایی توان انعطاف در مواجهه با بحران‌های اقتصادی را دارد. تعدیل قراردادها می‌تواند از بروز دعاوی گسترده حقوقی جلوگیری کند، امنیت و پیش‌بینی‌پذیری روابط قراردادی را افزایش دهد و مانع اعمال فشار اقتصادی غیرمنصفانه بر یکی از طرفین شود. در قراردادهای بلندمدت و تعهدات پولی، جایی که ارزش واقعی تعهدات ممکن است به‌طور قابل توجهی کاهش یابد، تعدیل به‌عنوان ابزار حفاظتی عمل می‌کند و امکان بازگرداندن تعادل اقتصادی را فراهم می‌آورد. تعدیل می‌تواند هم از طریق توافق طرفین و هم از طریق مداخلات قضایی

مبتنی بر تفسیر اصول کلی حقوقی انجام شود. این انعطاف عملی، امکان اجرای عدالت قراردادی و کاهش اثرات مخرب تورم بر تعهدات را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، سازوکارهای موجود در حقوق ایران با بهره‌گیری از اصول حقوقی و فقهی، توانایی پاسخگویی به مشکلات ناشی از تورم شدید را دارند و می‌توانند اجرای قراردادها را با شرایط واقعی اقتصاد هماهنگ کنند.

با توجه به شواهد و تحلیل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که تعدیل قراردادها در شرایط تورم شدید اقدامی ضروری برای حفظ تعادل اقتصادی و عدالت میان طرفین است. پذیرش این رویه می‌تواند به کاهش مخاطرات اقتصادی، ارتقای اعتماد طرفین به امنیت حقوقی و کاهش فشار ناشی از تغییرات شدید اقتصادی کمک کند. همچنین، اعمال تعدیل در صورت لزوم، بدون آن که اصل لزوم قراردادها زیر سؤال رود، امکان سازگاری نظام قراردادها با شرایط بی‌ثبات اقتصادی را فراهم می‌آورد و مانع زیان غیرمنصفانه طرفین می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استفاده از ظرفیت‌های موجود حقوقی برای تعدیل قراردادها، راهکار عملی و مؤثری برای بازگرداندن تعادل اقتصادی در شرایط تورمی است و اجرای آن می‌تواند امنیت حقوقی، عدالت قراردادی و کارآمدی روابط قراردادی را در دوره‌های بی‌ثباتی اقتصادی به‌طور قابل توجهی ارتقاء دهد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ابراهیمی، سیدنصرالله و عینی، مجتبی، ۱۳۹۷، اصل آزادی قراردادی و محدودیت‌های آن در قراردادهای بالادستی نفتی بر اساس مدل جامع تفسل (TEFCEL)، **فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق**

تطبیقی، شماره ۱.

- احمدی، علی و رستمی‌فر، علی، ۱۴۰۱، تحلیل اقتصادی تفسیر قضایی قرارداد در حقوق ایران، **فصلنامه**

پژوهش ملل، شماره ۸۱

- جلالی، محمود و آرای، حمید، ۱۳۸۹، بررسی تطبیقی دکترین «تغییر بنیادین اوضاع و احوال» در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل، **دوفصلنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۱۹.
- حافظی قهستانی، محمدرضا؛ مقدری امیری، عباس؛ مرتضوی، عبدالمجید، ۱۴۰۰، تعدیل قرارداد در اثر نوسانات اقتصادی، **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۶۵.
- رضازادباری، عذرا؛ مولایی، یوسف؛ جوادی، حسین، ۱۴۰۴، مبانی تعدیل قضایی قرارداد در حقوق ایران و ترکیه، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر**، شماره ۳۸.
- رضایی، مجید و هاشمی، سیدمحمدعلی، ۱۳۹۱، بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه‌های امام خمینی (س)، **فصلنامه پژوهشنامه متین**، شماره ۵۷.
- غلامی، استاتیرا، ۱۳۹۷، نگرشی بر تعدیل قرارداد، **فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا**، شماره ۱۰.
- قریشی، سیدمهدی؛ علیپور قوشچی، سلمان؛ رضازادباری، عذرا، ۱۳۹۶، کاربرد قاعده عسروجرح در تعدیل قرارداد، **فصلنامه مطالعات حقوق**، شماره ۱۶.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۳، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۴، **قانون مدنی در نظم حقوق کنونی**، چاپ شصت و هفتم، تهران، انتشارات میزان.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۴، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، چاپ شصت و ششم، تهران، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، میثم، ۱۴۰۳، تعدیل قرارداد و کاربرد آن در فقه و حقوق ایران، **فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۳۷.
- وکیل زاده، رحیم؛ غریبه، علی؛ تاری، جبار، ۱۳۹۸، تأثیر تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر قرارداد در فقه و حقوق ایران، **ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، شماره ۵.

عربی

- مجاهد مطر، بدیوی و جمال جاسم، مریم، ۲۰۲۵، مسؤولیه المرشد التربوی المدنیة الناشئة عن التمر فی المدارس (دراسة قانونیة مقارنة)، **مجله اشور للعلوم القانونیه و السیاسیه تصدر عن الجمعیه العراقیه للعلوم القانونیه**، شماره ۴.

لاتین

- Buffelan-Lanore, Yvaine, and Virginie Larribau-Terneyre, 2016, Droit civil: les obligations. Vol. 2. Sirey: Dalloz.
- Dollard, John, et al., 2013, Frustration and aggression. Routledge.
- French Civil Code, Article 1195, 2016 Revision.
- Halonen-Akatwijuka, Maija, and Oliver Hart, 2020, Continuing contracts, The Journal of Law, Economics, and Organization 36.2.
- Hübner, Heinz, 2013, Allgemeiner Teil des Bürgerlichen Gesetzbuches. Walter de Gruyter.
- Klepac, Lovro, 2017, The Availability of a Hardship Defense under the UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG). Diss. Master's Dissertation), Budapest, Hungary: Central European University.
- Pichonnaz, Pascal, 2011, From Clausula rebus sic stantibus to Hardship: Aspects of the Evolution of the Judge's Role Fundamina: A Journal of Legal History 17.1.
- Richardson, David S., 2006, Predictability and economic value, Predictability.
- UNIDROIT, 2016, Principles of International Commercial Contracts. Rome: UNIDROIT.
- Witzleb, Normann, 2023, Contract Law in Changing Times, weather and climate 628.
- Zhifeng, Jiang, 2022, Pacta sunt servanda and empire: a critical examination of the evolution, invocation, and application of an international law axiom, Mich. J. Int'l L. 43.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

- Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits
Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi
- The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System
Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama
- How to File Class Action Lawsuits and How to Enforce Their Rulings
Rahim Mokhtari, Ali Soltani Shirzade
- Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law
Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya
- Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country
Ruhollah Sheikh, Mohammad Momahmoodi
- The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms
Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz
- Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System
Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani
- Liability of Building Builders and Rights of Neighbors Due to Construction Noise Pollution
Rahim Mokhtari, Nazanin Zahra Joukar
- Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran
Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei
- Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps
Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour
- An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court
Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi
- Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim
Habibolah Abdolah Poor, Mahdi Shojayi
- Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System
Iraj Morvati, Naghme Farhood
- Agreement of the Parties to Refer the Case to Arbitration at the Appeal Stage
Rahim Mokhtari, Zahra Emadi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqui, Masoud Sarfarazi Saleh
- The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts
Hadi Zare, Majid Vaziri
- Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England
Zainab Tari
- Liability of the Developer and the Rights of Adjacent Property Owners Arising from the Use of Tower Cranes
Rahim Mokhtari, Ehsan Yosefi
- Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law
Amirreza Alitabar
- The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking
Mahbobeh Talebi Rostami
- Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law
Sayyed Amirhasan Mostafavi
- Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users
Vahid Kioumars
- Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law (with a Look at International Documents)
Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid
- The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption
Sayyede Mahshid Miri Balajorshari
- Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property
Sina Yousefi
- Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems
Rahim Mokhtari, Ebrahim Shiravani
- an Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government
Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi
- Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale
- Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests
Radmehr Rahmani Golafshan
- Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar
Abdolmajid Yousefi
- The Approach of Judicial Procedure in Restoring Proceedings by Adding Persons to the Proceedings
Rahim Mokhtari, Saeid Shiravani
- Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine
Yasser Shakeri